

شورای بین‌المللی خطاناپذیری کتاب مقدس بیانیه‌ی شیکاگو درباره‌ی خطاناپذیری کتاب مقدس

پیشگفتار

اعتبار کتاب مقدس موضوع مهمی برای تمامی مسیحیان در این عصر و هر عصر است. همه‌ی کسانی که به ایمانشان به عیسی مسیح به عنوان پرودگار و ناجی اعتراف می‌کنند، لازم است شاگرد بودن حقیقی خویش را با فرمان‌برداری متواضعانه و وفادارانه از کلام خدا نشان دهند. منحرف شدن از کتاب مقدس در کردار و ایمان، خیانت به سرورمان است. تشخیص صدق کامل و وثوق کتاب مقدس جهت فهم کامل و اعتراف شایسته به اعتبار کتاب مقدس، ضروری است.

بیانیه‌ای در پی آمده، خطاناپذیری کتاب مقدس را باری دیگر تصدیق می‌کند و فهم ما را از کتاب مقدس ساده ساخته و به ما درباره‌ی انکارش هشدار می‌دهد. ما اعتقاد داریم که انکار این امر، به‌منزله‌ی کنار نهادن شهادت به عیسی مسیح و روح‌القدس و سرباز زدن از سرسپردگی به ادعاهای کلام خداست که بر ایمان راستین مسیحی، صحه می‌گذارد. این وظیفه‌ی به‌جای ماست که در برابر انحراف از حقیقت خطاناپذیری در میان هم‌نوعان مسیحی خود و به‌طور کلی در برابر برداشت اشتباه از این بیانیه در جهان، این تصدیق را به‌کار بندیم.

این بیانیه از سه قسمت تشکیل شده است: بیانیه‌ی خلاصه، بندهای تصدیق و انکار و تفصیل ضمیمه. این بیانیه در طول دوره‌ی مشورتی سه روزه در شیکاگو آماده شده است. کسانی که بیانیه خلاصه و بندها را امضاء کرده‌اند، می‌خواهند عقیده خود را مبنی بر خطاناپذیری کتاب مقدس اظهار کنند و هم‌دیگر و تمام مسیحیان را تشویق به ارج نهادن و فهم این آموزه کنند و آن‌ها را به چالش بطلبند. ما بر محدودیت‌های این سند که در کنفرانسی کوتاه و فشرده آماده شده است، اذعان داریم و پیشنهاد نمی‌کنیم که به این بیانیه سندیت دینی داده شود. با این وجود از تعمق در عقیده خودمان با بحث و گفت‌وگو با یک‌دیگر خرسند هستیم و دعا می‌کنیم که بیانیه‌ای که امضاء کرده‌ایم در جهت جلال خدای ما و در راستای اصلاحات کلیسا، در ایمان، زندگی و مأموریت و خدمت آن استفاده شود.

این بیانیه را با روحیه‌ای نه از سر مجادله، بلکه از سر فروتنی و محبت، ارائه می‌دهیم. خشوع و عشقی که امید می‌رود به لطف خدا در تمامی گفتمان برخاسته از آنچه بیان کرده‌ایم، حفظ گردد. با خوش‌حالی تصدیق می‌کنیم که بسیاری از کسانی که خطاناپذیری کتاب مقدس را انکار می‌کنند، پیامدهای این انکار را در سایر اعتقادات و رفتارهایشان نشان نمی‌دهند و آگاهیم که ما و کسانی که این آموزه را تصدیق می‌کنیم، اغلب در زندگی آن‌را با عدم پیروی از کلام الهی در افکار، اعمال، سنت‌ها و عاداتمان انکار می‌کنیم.

در پرتو کتاب مقدس، تمامی کسانی را که دلیلی منطقی برای تغییر این تصدیق کتاب مقدس دارند، دعوت به پاسخ به این بیانیه می‌کنیم. کتاب مقدسی که در این لحظه تحت لوای اعتبار مصون از خطایش ایستاده‌ایم. برای گواهی که آورده‌ایم، ادعای لغزش ناپذیری فردی نداریم و شکرگزاریم که هیچ کمکی از فردی نگرفته‌ایم تا ما را قادر به تقویت این شهادت به کلام خدا کند.

بیانیه‌ی کوتاه

۱. خداوند که خویش حق است و تنها به حق سخن می‌راند، به روح القدس کتاب مقدس را الهام کرده است تا خویش را از طریق عیسی مسیح به‌عنوان خالق، خداوند، رهاننده و قاضی به بشر گمراه بنمایاند. کتاب مقدس، گواه خدا بر خودش است.

۲. کتاب مقدس که کلام خداست که بشر آن را نوشته و روح القدس آن را آماده کرده و بر آن نظارت داشته است. کتاب مقدس دارای اعتبار الهی مصون از خطا در تمامی مسائلی است که در کتاب ذکر شده است. باید به آموزه‌های الهی در تمامی مسائلی از جمله تصدیق، پیروی از دستورات الهی، تمامی واجبات عقیده داشته باشیم و با سرسپردگی به پیمان الهی تمامی وعده‌های الهی را بپذیریم.

۳. روح القدس (نویسنده الهی کتاب مقدس) آن را از طریق گواه درونی به ما تصدیق گردانیده و ذهن ما را برای فهم معنایش گشوده است.

۴. از آنجایی که کتاب مقدس به صورت کلی و کلامی از جانب خدا است، مصون از هر گونه خطا یا اشتباه در آموزه‌هایش است و کمترین کاستی در تمامی آنچه پروردگار درباره قضا و قدر الهی در خلقت، رویدادهای تاریخی جهان و منشاء ادبی الهی آن تحت گواه بودن بر الطاف نجات بخش خدا در زندگی شخصی افراد می‌گوید، ندارد.

چنانچه این خطاناپذیری تام الهی در دیدگاه حقیقی برخلاف خود کتاب مقدس، محدود، نادیده یا نسبی گرفت شود، اعتبار کتاب مقدس به‌گونه‌ای اجتناب ناپذیر آسیب می‌بیند. و چنین لغزش‌هایی زیانی جدی به فرد و کلیسا وارد می‌کند.

بندهای تصدیق و انکار

بند ۱

ما تصدیق می‌کنیم که کتاب مقدس باید به‌عنوان کلام معتبر الهی پذیرفته شود.

ما انکار می‌کنیم که کتاب مقدس، اعتبارش را از کلیسا، رسوم یا هر منبع انسانی دیگری دریافت می‌کند.

بند ۲

ما تصدیق می‌کنیم که کتاب مقدس مأخذ قانونی نوشتاری است که خدا به واسطه‌ی آن ضمیر انسان را مقید و محصور کرده است و نیز این که اعتبار کلیسا تابع اعتبار کتاب مقدس است.

ما انکار می‌کنیم که عقاید، مشاوره‌ها یا بیانات کلیسا اعتبار بیش‌تر یا مساوی با اعتبار کتاب مقدس دارد.

بند ۳

ما تصدیق می‌کنیم که کلام نوشته شده در کلیت خود، مکاشفه‌ای از جانب خداست.

ما انکار می‌کنیم که کتاب مقدس تنها گواهی از مکاشفه است یا تنها در رویارویی تبدیل به مکاشفه می‌شود یا به پاسخ بشر برای اعتبارش وابسته است.

بند ۴

ما تصدیق می‌کنیم که خدا که بشر را به صورت خود آفرید، از زبان به عنوان ابزار مکاشفه استفاده کرده است.

ما انکار می‌کنیم که انسان به حدی محدود به مخلوق بودنش باشد که این امر موجب بی‌کفایتی وی به عنوان وسیله‌ای برای مکاشفه‌ی الهی شده باشد. به علاوه انکار می‌کنیم که تباهی در فرهنگ و زبان بشری از طریق گناه، الهام الهی را بی نتیجه گذارده است.

بند ۵

ما تصدیق می‌کنیم که مکاشفه‌ی خدا در کتاب مقدس، پیش‌رونده و تدریجی بوده است.

ما انکار می‌کنیم که مکاشفه‌ی بعدی ممکن است مکاشفه‌ی پیشین را تکمیل، تصحیح یا رد کند. هم‌چنین انکار می‌کنیم که از هنگام تکمیل نوشتار عهد جدید، تمامی مکاشفات هنجاری داده شده‌اند.

بند ۶

ما تصدیق می‌کنیم که کل کتاب مقدس و تمامی قسمت‌ها و حتی کلمات اصلی آن از طریق الهام الهی عطا شده‌اند.

ما انکار می‌کنیم که الهام کتاب مقدس را می‌توان در کلیت، و بدون در نظر گرفتن بخش‌ها یا برخی از قسمت‌ها اما نه در کل تصدیق کرد.

بند ۷

ما تصدیق می‌کنیم که الهام کاری بود که خدا در آن به واسطه‌ی روح‌القدس و از طریق نویسندگان انسانی کلامش را به ما داد. منشاء کتاب‌مقدس الهی است. روش الهام الهی در اصل برای ما رازگونه باقی مانده است.

ما انکار می‌کنیم که الهام را می‌توان تا حد بینش انسانی پایین آورد یا آن را تا هرگونه حالتی از وجدان و خودآگاهی، بالا برد.

بند ۸

ما تصدیق می‌کنیم که خدا در کار الهام از شخصیت‌هایی خاص و از سبک ادبی نویسندگانی استفاده کرده بود که خود او آن‌ها را انتخاب و آماده ساخته بود.

ما انکار می‌کنیم که خدا جهت وا داشتن این نویسندگان به نوشتن کلماتی که خود انتخاب فرموده بود، بر شخصیت آن‌ها چیره شده بود.

بند ۹

ما تصدیق می‌کنیم که با آن که الهام، دانش مطلق را اعطا نکرده است، اظهاراتی صحیح و موثقی را تضمین می‌کند که درباره‌ی تمامی مسائلی است که نویسندگان کتاب‌مقدس انگیزته شده بودند تا آن‌ها را بگویند و بنویسند.

ما انکار می‌کنیم که به‌رغم فناپذیری و سقوط کرده بودن این نویسندگان، آنان لزوماً انحراف یا دروغ را در کلام خدا وارد نکرده‌اند.

بند ۱۰

ما تصدیق می‌کنیم که الهام قطعاً تنها به دست‌نوشته‌هایی درباره مشیت الهی اطلاق می‌شود که می‌توان آن را در کتاب‌مقدس موجود و نسخه‌ها یا ترجمه‌های بسیار دقیق کتاب‌مقدس تعیین کرد. به‌علاوه تصدیق می‌کنیم که کتاب‌مقدس تا آن‌جا کلام خدا است که نویسندگان، کتاب‌مقدس اصلی را وفادارانه و با امانت، بیان کردند.

ما انکار می‌کنیم که هر عامل اساسی از ایمان مسیحی تحت تاثیر فقدان دست‌نوشته‌ها قرار گرفته است. همچنین انکار می‌کنیم که این فقدان، بیانیه خطاناپذیری کتاب‌مقدس را بی‌اعتبار یا نامربوط ساخته است.

بند ۱۱

ما تصدیق می‌کنیم که کتاب مقدس که توسط الهام الهی اعطاء شده است، مصون از خطا است بنابراین ما را گمراه نمی‌سازد و در تمامی مسائلی که مطرح می‌کند، درست و موثق است.

ما انکار می‌کنیم که ممکن است کتاب مقدس همزمان هم مصون از خطا و هم در بیاناتش دارای خطا باشد. مصونیت از خطا و خطاناپذیری ممکن است متمایز باشند اما مجزا از هم نیستند.

بند ۱۲

ما تصدیق می‌کنیم که کتاب مقدس در کلیتش فاقد خطا است و از دروغ، حيله یا فریب مصون است.

ما انکار می‌کنیم که مصونیت کتاب مقدس از خطا و خطاناپذیری اش محدود به مضامین روحانی و مذهبی یا مضامین رستگاری بخش می‌شود و بیانات در زمینه‌های تاریخی و علمی در شمول این خطاناپذیری قرار نمی‌گیرند. به‌علاوه انکار می‌کنیم که فرضیه‌های علمی راجع به تاریخ زمین ممکن است به درستی استفاده شده باشد تا آموزه‌های کتاب مقدس را درباره‌ی آفرینش و سیل را از اعتبار، ساقط سازد.

بند ۱۳

ما تناسب استفاده از کلمه خطاناپذیری را به عنوان اصطلاحی الهیاتی به معنی حَقْگویی کامل کتاب مقدس تصدیق می‌کنیم.

ما انکار می‌کنیم که ارزیابی کتاب مقدس مطابق با معیارهای آزمون و خطا که با استفاده و هدف آن سنخیتی ندارد کار درستی است. هم‌چنین ما انکار می‌کنیم که خطاناپذیری در وقایع کتاب مقدس با مواردی هم‌چون فقدان دقت فنی مدرن، بی‌قاعدگی در دستور زبان یا در املاء، توصیفات مشاهداتی از طبیعت، گزارش کذب، استفاده از مبالغه و اعداد رند، ترتیب موضوعی مطالب، گزیده‌های گوناگون از مطالب در داستان‌های یکسان یا استفاده از نقل قول آزاد نفی می‌شود.

بند ۱۴

ما پیوستگی و انسجام درونی کتاب مقدس را تصدیق می‌کنیم.

ما انکار می‌کنیم که خطاها و اختلافات ادعایی که هنوز حل نشده‌اند، ادعاهای کتاب مقدس را درباره‌ی حقیقت بی‌اثر می‌کنند.

بند ۱۵

ما تصدیق می‌کنیم که آموزه‌ی خطاناپذیری پایه در تعالیم کتاب مقدس درباره الهام و الهام دارد. ما انکار می‌کنیم که تعالیم مسیح را درباره‌ی کتاب مقدس، می‌توان با مقتضیات یا هر محدودیت طبیعی مربوط به انسانیت مسیح رد کرد.

بند ۱۶

ما تصدیق می‌کنیم که در کل تاریخ آموزه‌ی خطاناپذیری بخش اصلی ایمان کلیسایی ما بوده است. ما انکار می‌کنیم که خطاناپذیری آموزه‌ای است که پروستانیسم مدرسی از پیش خود ساخته یا عقیده‌ای سرگرم کننده در واکنش به انتقادهای شدید و منفی است.

بند ۱۷

ما تصدیق می‌کنیم که روح القدس بر کتاب مقدس گواهی می‌دهد و مؤمنان را از حقانیت کلام مکتوب خدا مطمئن می‌سازد. ما انکار می‌کنیم که این گواهی از روح القدس جدا یا ضد کتاب مقدس کار می‌کند.

بند ۱۸

ما تصدیق می‌کنیم که متن کتاب مقدس را باید از طریق تفسیر دستور زبانی-تاریخی، فهم پذیر کرد که این تفسیر دربردارنده‌ی قالب‌ها و صنایع ادبی خود است و چنین متنی باید برای تفسیر کتاب مقدس استفاده شود. ما مشروعیت هرگونه استفاده از متن یا جستار منابع پس پرده‌ی آن را که موجب نسبیت، جداسازی از تاریخ، کاستن آموزه‌هایش یا رد ادعای مرجعیت و نویسندگی این کتاب شود، انکار می‌کنیم.

بند ۱۹

ما تصدیق می‌کنیم که اعتراف به اقتدار و حجیت کامل، مصونیت از خطا و خطاناپذیری کتاب مقدس برای فهم درست از کلیت ایمان مسیحی حیاتی است. هم‌چنین تصدیق می‌کنیم که چنین اعترافی باید منجر به تشبّه هرچه بیش تر به مسیح شود.

ما انکار می‌کنیم که چنین اعترافی برای رستگاری الزامی است. گرچه هم‌چنین انکار می‌کنیم که ردّ کردن خطاناپذیری نمی‌تواند هیچ عواقبی برای فرد یا کلیسا داشته باشد.

بیانیه‌ی شیکاگو درباره‌ی خطاناپذیری کتاب مقدس

تفصیل

فهم ما از آموزه‌ی خطاناپذیری باید در بافتار تعلیمات گسترده‌ی کتاب مقدس درباره خودش قرار گیرد. این تفسیر در بردارنده‌ی خلاصه‌ای از آموزه‌ای است که بیانیه خلاصه و بندهایش را از آن استخراج کرده‌ایم.

خلقت، مکاشفه و الهام

خدای تثلیث که با کلام خلاقانه‌اش همه چیز را شکل داد و همه چیز را تحت فرمانش اداره می‌کند، انسان را به صورت خود برای حیاتی آفرید تا با او درباره‌ی سرمشق مشارکت ابدی و رابطه‌ای توأم با عشق با الوهیت صحبت کند. بشر به‌عنوان حامل تصویر خدا باید سخن پرودگار را که خطاب به او بود، می‌شنید و پاسخش را با فرمان‌برداری همراه با شادی و ستایش می‌داد. فرا و ورای خودکشفی پرودگار در نظم خلق شده و ترتیب وقایع در آفرینش، بشر از آدم به بعد پیام‌های کلامی را از سمت خدا دریافت کرده است که این پیام‌ها یا مستقیماً در کتاب مقدس آمده‌اند یا به گونه‌ای غیر مستقیم به شکلی در قسمتی یا کل کتاب مقدس ذکر شده‌اند.

هنگامی که آدم سقوط کرد، خداوند بشریت را تا داوری نهایی در روز قیامت به حال خود رها نکرد بلکه وعده‌ی رستگاری را داد و شروع به آشکارسازی خودش به‌عنوان منجی در ترتیبی از وقایع تاریخی کرد که متمرکز بر خاندان ابراهیم بودند و در نهایت به زندگی، مرگ، رستاخیز، خدمت و مأموریت آسمانی حاضر و بازگشت موعود عیسی مسیح رسید. خدا در این قالب، گاه با کلام‌های خاصی درباره‌ی داوری و رحمت، وعده و فرمان با بشر گناه‌کار سخن رانده است تا بشر را به‌سوی پیمانی با تعهد دوطرفه بین خودش و آن‌ها بکشد که در آن خدا فیضی مبارک به آن‌ها می‌بخشد و آن‌ها در پاسخ، خدا را ستایش می‌کنند. موسی که خدا از او به‌عنوان واسطه‌ای برای انتقال کلماتش به مردمش در زمان کوچ بنی‌اسرائیل از مصر به کنعان استفاده کرد، سرآمد پیامبرانی است که خدا کلامش را از دهان و نوشته‌های آنان به قوم اسرائیل رسانید.

هدف خداوند در ترتیب پیام‌ها حفظ عهد خویش با شناساندن نامش (که طبیعت اوست و خواست او هم بر فرمان و هم بر هدف در حال و آینده است) به مردمش بود. این صف از پیام‌آوران با آمدن عیسی مسیح به پایان رسید. عیسی مسیح «کلام مجسم خداوند» خودش پیامبری بیش‌از یک پیامبر بود ولی کمتر از آن نبود و در میان رسولان و شاگردان و پیامبران اولین نفر از نسل مسیحیان بود. وقتی که پیام تمام و کمال خدا (کلامی خطاب به جهانیان درباره‌ی عیسی مسیح) گفته شد و توسط کسانی که در جمع رسولان مسیح بودند، روشن گردید، توالی پیام‌های آشکار شده متوقف شد. از آن پس کلیسا باید آنچه که خدا قبلاً گفته بود و آنچه که برای تمامی ادوار گفته بود، زندگی می‌کرد و خدا را می‌شناخت.

خداوند در کوه سینا عبارات عهد خویش را به عنوان گواهی ابدی و جهت دسترسی همیشگی روی لوح‌های سنگی نوشت و در طول تمام دوره‌ی مکاشفه‌ی نبوتی و رسولی، خدا بشر را واداشت تا پیام‌ها (که از طریق آن‌ها به آن‌ها داده می‌شد) را به همراه تاریخچه‌ی تعامل مقدس خود با قومش و بازتاب اخلاقی زندگی متعهد و اشکال ستایش و دعا برای رحمت عهد شده بنویسند. واقعیت الهیاتی الهام در ارائه اسناد کتاب مقدس با واقعیت الهی پیش‌گویی‌ها و نبوت‌های شفاهی تطابق دارد. با وجود این که شخصیت‌های نویسندگان انسانی در نوشته‌هایشان هویدا می‌شد، کلمات به‌گونه‌ای الهی ترکیب می‌شدند. بنابراین کلام کتاب مقدس، کلام خدا و اعتبارش اعتبار او است چون خدا نویسنده‌ی غایی است و کلامش را از طریق ذهن انسان‌هایی منتخب و آماده شده به قومش می‌داد که آزادانه و وفادارانه سخن می‌گفتند: «مردمانی که به روح‌القدس مجذوب شده، از جانب خدا سخن گفتند» (رساله دوم پطرس ۱: ۲۱). باید تصدیق کرد که کتاب مقدس به دلیل منشاء الهی آن، کلام خداست.

اعتبار: مسیح و کتاب مقدس

عیسی مسیح پسر خدا، کلام مجسم، پیامبر، کاهن و پادشاه ما، آخرین واسطه‌ی خداوند برای برقراری ارتباط با بشر است زیرا او نهایت فیض خدا است. مکاشفه‌ای که او داد، بیش‌از مکاشفه‌ی کلامی بود. هم‌چنین او خدای پدر را با حضورش و اعمالش آشکار کرد. با این وجود کلامش بسیار مهم بود چون او خدا بود و از جانب خدای پدر صحبت می‌کرد و کلامش در روز قیامت تمامی انسان‌ها را داوری خواهد کرد.

عیسی در مقام مسیحای موعود، درون‌مایه‌ی مرکزی کتاب مقدس است. عهد عتیق ظهور او را پیش‌بینی کرده است. عهد جدید به ظهور او در گذشته و ظهور دوباره‌ی او می‌پردازد. کتاب مقدس مرجع، حاصل الهام الهی است و بنابراین گواهی اصلی بر مسیح است. در نتیجه هیچ علم تفسیری که در آن مسیح تاریخی، نکته‌ی اصلی آن نباشد، پذیرفتنی نیست. کتاب مقدس باید همان چیزی تلقی گردد، که در اصل هست – گواهی بر پدر تا خدای پسر مجسم گشته.

به نظر می‌رسد که عهد عتیق معیار با دوران مسیح به ثبات رسیده است. عهد جدید معیار نیز اکنون بسته است زیرا اکنون نمی‌توان هیچ گواه رسالتی بر مسیح تاریخی آورد. هیچ مکاشفه‌ی جدیدی (که با فهم خدادادی از مکاشفه‌ی موجود متفاوت باشد) تا ظهور دوباره‌ی مسیح داده نخواهد شد. قانون در اصل از الهام الهی پدید آمد. نقش کلیسا این بود که قانون معیاری را که خدا خلق کرده بود تشخیص دهند، نه اینکه قانون خودشان را ابداع کنند.

کلمه کانون به معنی قانون یا معیاری است که اعتبار را نشان می‌دهد. اعتباری که به معنی حق فرمانروایی و کنترل است. اعتبار در مسیحیت از آن خدا و در مکاشفه‌ی او است که از یک طرف به معنای عیسی مسیح کلام زنده و از طرف دیگر به معنای کتاب مقدس کلام نوشته شده است. اما اعتبار مسیح و اعتبار کتاب مقدس یکی است. مسیح، در مقام نبی ما تصدیق کرده است که کتاب مقدس را نمی‌توان نقض کرد. مسیح کاهن و پادشاه ما

زندگی دنیوی را وقف اعمال قانون و نبوت کرد حتی با این که در راه پیروی از کلام پیشگویی انتظار مسیح، مرگ را پذیرا شد. بنابراین او دید که کتاب مقدس به مسیح و اعتبارش سوگند خورده است. پس با فرمان برداری از کتاب مقدس، به اعتبارش گواهی می دهد. به دلیل این که مطیع فرمان های پدرش در کتاب مقدس (عهد عتیق) بود، شاگردان را ملزم به انجام همین کار کرد. گرچه او نه به تنهایی بلکه در پیوستگی با گواه رسالتی که به ظهور او داده بودند، عهده دار الهامی شد که موهبتی بود که روح القدس به او ارزانی داشت. بنابراین مسیحیان با فرمان برداری از دستورات الهی که در متون پیامبران و رسولان (که با همدیگر، کتاب مقدس را می سازند)، نشان می دهند که خادمان با ایمان خداوند هستند.

عیسی مسیح و کتاب مقدس با تصدیق اعتبار یکدیگر در یک مخزن یگانه اعتبار با هم ادغام می شوند. مسیح تفسیر گشته ی کتاب مقدسی و کتاب مقدس مسیح محور و اعلام کننده مسیح از این نقطه نظر یکی هستند. به دلیل حقیقت الهام استنباط می کنیم که هر آنچه که کتاب مقدس می گوید، کلام خدا است. بنا بر ارتباط آشکار شده بین عیسی مسیح و کتاب مقدس، اظهار می کنیم که هر آنچه که کتاب مقدس می گوید، به همان اندازه کلام مسیح نیز است.

مصونیت از خطا، خطاناپذیری، تفسیر

کتاب مقدس کلام الهی الهام شده ای را که به گونه ای موثق به عیسی مسیح گواهی می دهد، می توان به درستی مصون از خطا و خطاناپذیر خواند. این اصطلاحات منفی، ارزش خاصی دارند زیرا به صراحت از حقائق مثبت حیاتی محافظت می کنند.

مصونیت از خطا به معنی ویژگی «نه گمراه کننده و نه گمراه شده» است و به طور قاطع از این حقیقت محافظت می کند که کتاب مقدس، قانون و راهنمایی مطمئن، محفوظ و موثق در تمامی مسائل است.

ما تصدیق می کنیم که کتاب مقدس قانونی و معیار، همیشه باید بر اساس این که مصون از خطا و خطاناپذیر است، تفسیر شود. گرچه در تعیین این که نویسنده ی خدا آموخته در هر صفحه چه چیزی را ادعا می کند، ما باید بیشترین توجه را به ادعای وی و شخصیتش به عنوان محصولی انسانی کنیم. در وحی، خدا از فرهنگ و عرف اجتماع نویسنده اش استفاده کرد، اجتماعی که خدا با مشیت با اقتدار الهی خویش، کنترل می کند. تصور هر چیز دیگری تفسیری غلط است.

تاریخ را باید تاریخ، شعر را شعر، مبالغه و استعاره را باید مبالغه و استعاره تلقی کرد و عمومیت و تشابه را باید مانند آنچه که هستند، تلقی کرد و غیره. همچنین باید تفاوت های بین هم آیی های ادبی در زمان کتاب مقدس و هم آیی ادبی در زمان ما را بررسی کرد. از آن جایی که در آن روزها قابل پذیرش و عرف بود که برای مثال داستان ها به ترتیب وقوع تاریخی نقل نشود و نقل قول ها دقیق نباشد و این موضوع خلاف انتظار نبود، نباید وقتی که این

موارد را در نویسندگان کتاب مقدس می‌بینیم، آن‌ها را اشکال در نظر بگیریم. وقتی که دقت کلی و خاصی مورد انتظار و هدف قرار نگرفته است، خطا نیست که در کتاب مقدس به آن نرسیده‌ایم. کتاب مقدس خطاناپذیر است نه به این معنی که طبق استانداردهای مدرن کاملاً دقیق است، بلکه به این معنی که ادعاهای خود را به درستی بیان می‌کند و به آن حد از حقیقت مشخص گشته نائل شده است که نویسندگان هدف داشتند به آن برسند.

حقیقی بودن کتاب مقدس را نباید با بی‌قاعدگی‌های دستور زبانی و اشتباهات املائی ظاهری، توصیف حوادث طبیعی، گزارش‌هایی از اظهارات غلط (برای مثال دروغ‌های شیطان) یا تفاوت‌های ظاهری بین متون نفی کرد. درست نیست که به اصطلاح «حوادث» کتاب مقدس را در مقابل آموزه‌های کتاب مقدس درباره خودش قرار داد. نباید از تناقضات ظاهری چشم‌پوشی کرد. هر جا بتوان به صورتی متقاعد کننده به راه حل آن‌ها رسید، ایمان ما تقویت خواهد شد و جایی که تا حال حاضر راه حال قانع کننده‌ای در دسترس نیست، با ایمان و یقینی که خدا به ما داده است که خلاف این ظواهر، کلامش راست است و حفظ ایمان به این که روزی خواهیم دید که این ظواهر، توهماتی بودند، به خدا احترامی عمیق و شایان توجه خواهیم گذاشت.

به موجب آن که کل کتاب مقدس محصول یک ذهن الهی است، تفسیر آن باید محدود به مرزهای قیاس بین کتاب مقدس و فرضیه‌های اجتناب‌ورزی بماند که یک متن کتاب مقدس را با متنی دیگر از کتاب مقدس تصحیح می‌کند، چه با نام الهام تدریجی باشد و چه با روشن‌سازی ناقص ذهن نویسنده دریافت کننده وحی.

با وجود این که کتاب مقدس محدود به فرهنگ خاصی است به هیچ عنوان به این معنی نیست که فاقد اعتبار جهانی است. کتاب مقدس گاهی اوقات تحت تاثیر رسوم و نظرات قدیمی دوره‌ای خاص مقید به فرهنگی خاص است، بنابراین امروزه استفاده از اصول آن نیازمند اقدام متفاوتی است.

شک‌گرایی و انتقاد

از زمان رنسانس، به‌ویژه از زمان روشنگری، جهان‌بینی‌ها پیشرفت کردند که موجب شک‌گرایی درباره عقاید و باورهای مسیحی شد: مانند تجاهل‌گرایی که قابل شناخت بودن خدا را رد می‌کنند، عقل‌گرایی که این را رد می‌کند که خدا ورای فهم است و آرمان‌گرایی که این را رد می‌کند که خدا متعال است و هستی‌گرایی که عقلانیت رابطه‌ی خدا با ما را رد می‌کند. وقتی که این اصول غیر دینی یا ضد دینی در سطح پیش فرض الهیات بشر رسوخ می‌کند، مانند امروزه که چنین اصولی دائماً این کار را می‌کنند، تفسیر وفادارانه و امین از کتاب مقدس غیر ممکن می‌شود.

انتقال و ترجمه

از آنجایی که خداوند در هیچ جا انتقال خطاناپذیر کتاب مقدس را وعده نداده است، لازم است که تصدیق کرد که تنها دست‌نوشته‌های اسناد اصلی الهام شده‌اند و نیاز به انتقاد متنی به عنوان ابزاری برای تشخیص هرگونه خطایی

است که ممکن است به درون متن در طی انتقال رسوخ کرده باشد، به قوت خود باقی می ماند. گرچه نظر این علم این است که متون عبری و یونانی به نظر به نحوی فوق العاده محفوظ مانده اند به حدی که ما کاملاً حق داریم هستیم که در اعتراف وست مینستر، مشیت الهی خارق العاده ی خدا را در این مورد تصدیق کنیم و اذعان کنیم که اعتبار کتاب مقدس به هیچ عنوان به این دلیل به خطر نیفتاده است که نسخه هایی که در دسترس داریم، کاملاً عاری از خطا نیستند.

به همین نحو هیچ ترجمه ای نمی تواند کامل باشد و نیست و تمام ترجمه ها هم قدمی دیگر از دست نوشته ها دور شده اند. نظر علم زبان شناسی این است که حداقل در این روزها مسیحیان انگلیسی زبان به خوبی از گروهی از ترجمه های عالی برخوردار شده اند و دلیلی برای تردید درباره ی این نتیجه نیست که کلام حقیقی خدا در واقع در دسترسشان است. نظر به تکرار پی در پی موضوعات اصلی که کتاب مقدس با آن سروکار دارد و همچنین نظر به روح القدس که دائماً ناظر و شاهد به کلام خدا است، هیچ ترجمه ی جدی از کتاب مقدس، معنای آن را طوری نابود نخواهد گشت که چنان تغییری در آن ایجاد کند که سبب شود خواننده اش در فهم « حکمت برای نجات به وسیله ی ایمانی که بر مسیح عیسی است » (رساله ی دوم تیموتائوس ۳:۱۵) ناتوان گردد.

خطانا پذیری و اعتبار

در تصدیق اعتبار کتاب مقدس که حقیقت کل آن را دربر می گیرد، با آگاهی در کنار مسیح و رسولانش می ایستیم (در حقیقت در کنار کل کتاب مقدس و جریان کلی تاریخ کلیسا از اولین روزها تا هم اکنون می ایستیم). نگران این هستیم که در این دوران، بسیاری از انسان ها به صورتی غیر معمول، سهوی و ظاهراً بی فکرانه، از چنین اعتقاد مهمی دست کشیده اند.

همچنین از سردرگمی جدی و زیاد ناشی از دست کشیدن از حقیقت کلی کتاب مقدس (که اعتبارش با ابراز ایمان تصدیق می گردد) آگاه هستیم. این اقدام این نتیجه را دارد که کتاب مقدسی که خدا در اختیارمان گذاشته است، اعتبار خویش را از دست می دهد و کتاب مقدسی که در عوض، معتبر باقی می ماند، کتاب مقدسی است که محتوای آن مطابق به خواسته های استدلال انتقادی فرد کاهش یافته است و در اصل با شروع نقد، همچنان این کاهش ادامه خواهد یافت. به این معنی که در نهایت استدلال مستقلی که اکنون اعتبار دارد در مقابل آموزه های کتاب مقدس قرار می گیرد. اگر این حقیقت دیده نشود و اگر اکنون آموزه های انجیل گرا همچنان برقرار باشند، افرادی شاید مدعی هویتی انجیلی شوند که حقیقت کلی کتاب مقدس را انکار می کنند در حالی که از لحاظ روش شناختی از اصل دانش انجیل گرا دور شده و به سمت ذهن گرایی بی ثباتی رفته اند و حرکت به جلو برای این افراد، سخت خواهد بود.

ما تصدیق می کنیم که هر آن چه کتاب مقدس بگوید، گفته ی خداوند است. باشد که او جلال یابد. آمین و آمین.